

## ☆ نگاهی به اقتصاد

سال ۱۳۷۲ مصادف با آخرین سال اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بود. بدین جهت و با توجه به تحولاتی که با اجرای این برنامه در اقتصاد کشور بوقوع پیوسته است، لازم دیده شد سر مقاله این شماره به بررسی کلی اوضاع اقتصادی در سال ۱۳۷۲ و نگاهی کلی به روند متغیرهای کلان اقتصادی در طول برنامه اختصاص داده شود.

در سال ۱۳۷۲ مهمترین و حساسترین مرحله از مراحل سیاستهای تعدیل اقتصادی یعنی طرح یکسان سازی نرخ ارز به مورد اجرا گذارده شد. به موازات اجرای این طرح اقدامات لازم در جهت تامین تعادل بودجه، اصلاح ساختارهای پولی و بانکی، گسترش صادرات غیرنفتی و تعمیم مالکیتها و خصوصی سازی واحدهای تولیدی ادامه داشت و کوشش شد تا با رفع موانع تولید زمینه مساعدتری در جهت توسعه سرمایه گذاریها فراهم شود.

در عین حال اوضاع نامساعد بازارهای جهانی نفت و کاهش قابل توجه درآمدهای ارزی عمده‌ترین مشکل اقتصاد کشور در سال ۱۳۷۲ بود که دشواریهایی را برای بخشهای مختلف

اقتصاد کشور ایجاد نمود. این عامل به همراه فشارهای سیاسی و عدم مساعدت بازارهای مالی بین‌المللی و اشکالات دیگری که در زمینه امهال تعهدات کوتاه مدت ایجاد گردید، مانع از انجام به موقع این کار گشت و مجموعه عوامل مذکور جریان عادی گشایش اعتبارات و پرداختهای جاری را با مشکل مواجه کرد.

علی‌رغم این مشکلات و با وجود گسترش فشارهای تورمی، رشد مثبت اقتصادی در این سال ادامه یافت و بسیاری از طرحهای زیربنایی و تولیدی به مرحله اجرا درآمد. بعلاوه حجم سرمایه‌گذارها نیز افزایش قابل توجهی یافت و در زمینه صادرات هم برای اولین بار رکورد بی‌سابقه ۳/۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی برای کشور به ثبت رسید.

ذیلا بخشهای مختلف اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

بر اساس برآوردهای مقدماتی تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۷۲ از رشد مثبتی در حدود ۵ درصد برخوردار شد. بدین ترتیب با توجه به عملکرد سالهای گذشته، متوسط رشد تولید ناخالص داخلی در طول پنج سال برنامه اول به ۷/۳ درصد رسید که فقط ۰/۸ درصد از هدف تعیین شده در این برنامه کمتر بود.

طی سال مورد بحث روند فزاینده فعالیتهای سرمایه‌گذاری ادامه یافت و حجم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به قیمتهای ثابت از ۲/۷ درصد رشد برخوردار گردید. در مجموع طی پنج سال برنامه اول حجم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بطور متوسط سالانه ۱۳/۳ درصد رشد یافت و سهم آن در تولید ناخالص داخلی به قیمتهای جاری از ۱۳/۶ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۲/۰ درصد در سال ۱۳۷۲ رسید.

مقایسه عملکرد رشد تولید ناخالص داخلی با اهداف برنامه پنج ساله اول

(درصد)

متوسط دوره ۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	
هدف برنامه	۸/۳	۸/۵	۶/۸	۹/۲	۷/۹	
عملکرد	۵/۰	۵/۵	۱۰/۹	۱۲/۱	۳/۰	

براساس برآوردهای مقدماتی، رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۲ به ۵/۵ درصد و متوسط سالانه آن در طول برنامه به ۶ درصد رسید. بدین ترتیب عملکرد رشد در این بخش مطابق با هدف برنامه (یعنی ۶/۱ درصد رشد سالانه) بود.

در این سال به موازات اجرای سیاستهای آزاد سازی و یکسان سازی نرخ ارز، کوشش شد تا سیاستهای حمایتی در بخش کشاورزی کماکان ادامه یابد. این سیاستها شامل خرید تضمینی محصولات کشاورزی، اعطای تسهیلات مالی با نرخهای ترجیحی و پرداخت سوبسید بابت نهاده های کشاورزی بود. در اجرای این سیاستها، قیمت تضمینی بسیاری از محصولات کشاورزی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافت ولی قیمت نهاده هایی نظیر کود شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی متناسب با افزایش نرخ ارز تغییر نیافت و در سطحی پایین تر از بهای تمام شده وارداتی نگاه داشته شد.

براساس برآوردهای مقدماتی وزارت کشاورزی در سال ۱۳۷۲ تولید گندم ۴/۳ درصد، جو ۲/۵ درصد و برنج ۸/۱ درصد افزایش یافته و تولید دانه های روغنی نیز از رشد بسیار سریعی به میزان ۲۳/۲ درصد برخوردار گردید. اما تولید چغندر قند ریشه با کاهش مواجه بود.

برآوردهای مقدماتی وزارت جهاد سازندگی نیز حاکی از آن است که تولید محصولات دامی کشور در سال ۱۳۷۲ با  $4/5$  درصد رشد به  $5/9$  میلیون تن بالغ گردیده است. رشد تولید اکثر محصولات دامی بویژه مرغ و تخم مرغ در این سال قابل توجه است.

در سال ۱۳۷۲ بازار جهانی نفت با نوساناتی همراه بود. به دنبال کاهش بهای نفت، اعضای اوپک به منظور بررسی و بهبود بخشیدن به بازار نفت اقدام به برگزاری چندین اجلاس نمودند. از جمله تصمیمات اتخاذ شده در اجلاسهای فوق حمایت از بهای نفت خام اوپک به میزان ۲۱ دلار در هر بشکه از طریق تعیین سقفهای تولید بود، بطوریکه که سقف تولید روزانه سازمان به  $23/6$  میلیون بشکه در نیمه اول سال و  $24/5$  میلیون بشکه در نیمه دوم سال محدود شد.

علی رغم اقدامات اوپک روند نزولی قیمت انواع نفت خام در بازار ادامه یافت و متوسط قیمت سبد نفتی این سازمان به  $16/32$  دلار رسید که نسبت به سال قبل حدود ۲ دلار کاهش نشان می دهد.

در این سال سقف تولید ایران  $7/8$  درصد افزایش داده شد، ولی با توجه به رشد مصرف داخلی، صادرات نفت خام کشور فقط رشدی معادل  $3/6$  درصد داشت و بدین ترتیب با توجه به ۳ دلار کاهش در میانگین بهای هر بشکه نفت خام صادراتی، درآمد کشور از این محل کاهش یافته و نسبت به پیش بینی های برنامه عدم تحقق چشمگیری داشت.

در مجموع طی سال ۱۳۷۲ ارزش افزوده بخش نفت از رشدی معادل  $3/6$  درصد برخوردار شد و متوسط سالانه رشد این بخش در طول برنامه به  $8/6$  درصد رسید. مقایسه این رقم با رشد مورد هدف برنامه حدود  $0/9$  درصد عدم تحقق را نشان می دهد.

در سال ۱۳۷۲ در مقابل رشد تولید گاز طبیعی به میزان  $0/8$  درصد، مصرف داخلی

۵/۱ درصد افزایش یافت. در این سال با توجه به تحولاتی که در جمهوری های تازه استقلال یافته آسیای میانه روی داد، صدور گاز متوقف شد و با مهار گازهای همراه، از میزان گاز سوزانده شده نیز به میزان  $۷/۳$  درصد کاسته شد.

در بخش برق نیز تلاشهای وسیع در زمینه توسعه ظرفیتهای تولیدی ادامه یافت و با به ثمر رسیدن طرحهای مختلف جمعا  $۱۱/۶$  درصد به ظرفیت نیزگاههای کشور افزوده گردید. در نتیجه طی سال  $۱۳۷۲$  مجموعا  $۷۳/۳$  میلیارد کیلووات ساعت برق تولید شد که  $۱۱/۴$  درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت.

بطور کلی طی برنامه اول، بخشهای زیربنایی و بویژه بخش آب و برق مورد توجه ویژه بوده و با صرف مبالغ عظیمی از منابع ارزی و ریالی برای سرمایه گذاری در این بخشها، موفقیتهای شایان توجهی در جهت گسترش مبانی زیربنایی کشور بدست آمده است. ارزش افزوده بخش آب، برق و گاز طی پنج سال برنامه اول بالاترین نرخ رشد را در میان بخشهای مختلف اقتصادی دارا بوده و بطور متوسط  $۱۲/۷$  درصد در سال رشد نموده است. مقایسه این رقم با  $۹/۱$  درصد رشد مورد هدف برنامه موید وسعت حجم سرمایه گذاریهای ارزی و ریالی و فعالیتهای انجام شده در این بخش می باشد.

به دلیل وابستگی ساختاری بخش صنعت به مواد اولیه و کالاهای واسطه ای وارداتی، اصلاحات اقتصادی و یکسان سازی نرخ ارز طبعا بیشترین اثر نامناسب در کوتاه مدت را بر این بخش برجای می گذارد. به همین لحاظ و با توجه به کاهش درآمدهای ارزی در سال  $۱۳۷۲$  رشد ارزش افزوده این بخش به یک درصد محدود شد. در این سال بسیاری از صنایع درگیر انجام تعدیلات داخلی بودند و این عامل در کاهش تولید برخی از اقلام صنعتی موثر بود.

تعدیل نرخ ارز، بالا رفتن قیمت نهاده های تولید و قطع سهمیه های دولتی در مجموع زمینه مساعدی را ایجاد کرد تا ضمن ترغیب به استفاده از کالاهای تولیدی در داخل و افزایش درصد ساخت داخلی، موجبات فعالیت سالم و کارآمد بخش صنعت فراهم شود. اصلاح نرخ ارز و اجرای سایر سیاستهای اصلاحی در زمینه تولید و توسعه صادرات کالاهای صنعتی موجب گردید تا برخی از صنایع نظیر صنایع ذوب فلز و برخی صنایع کانی غیرفلزی که دارای مزیت‌های بالقوه بودند بر حجم تولیدات خود بیافزایند.

در نتیجه، با گسترش تولیدات داخلی، علاوه بر تامین بخش اعظم نیازهای کشور به انواع محصولات معدنی و فلزات، صادرات اینگونه کالاها به خارج از کشور سهم عمده ای را نیز در صادرات غیر نفتی کشور بدست آورد. بر اساس آمار گمرکی طی سال ۱۳۷۲ جمعا ۷۰۶ میلیون دلار انواع آهن، فولاد، مس و شمش های فلزی به خارج از کشور صادر شد که رکورد جدیدی در صادرات صنعتی کشور محسوب می شود. صادرات این کالاها نسبت به سال ۱۳۷۱ از رشد سریعی به میزان ۴۷ درصد برخوردار شد و سهم آن در کل صادرات غیرنفتی به ۱۹ درصد رسید. در مجموع طی سال مورد بحث کالاهای سنتی و کشاورزی ۶۷ درصد و کالاهای صنعتی و معدنی ۳۳ درصد از صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل داد.

با گسترش فعالیت در بخش صنایع فلزی و محصولات معدنی فعالیت در بخش معادن نیز افزایش یافت و ارزش افزوده بخش معدن در سال ۱۳۷۲ از رشدی معادل ۶/۴ درصد و در طول پنج سال برنامه از رشد متوسط سالانه ۶/۳ درصد برخوردار شد.

بطور کلی بررسی نتایج حسابهای ملی کشور در طول پنج سال برنامه اول حاکی است که با اجرای این برنامه تحولات عمده‌ای در روند فعالیت های اقتصادی و ساختار بخشهای مختلف

بوقوع پیوسته است. اجرای این برنامه موجب گردید که رشد منفی اقتصاد کشور که در طول پنج سال قبل به  $۷/۳$  درصد رسیده بود، به رشد مثبتی معادل  $۷/۳$  درصد در سال تبدیل شود. این رشد بسیار نزدیک به هدف تعیین شده در برنامه است که در بدو اجرای آن بسیار جاه طلبانه به نظر می رسید.

عملکرد بخشهای مختلف اقتصادی طی دوره های

۱۳۶۸-۷۲، ۱۳۶۴-۶۷، ۱۳۵۹-۶۳

(متوسط رشد سالانه به قیمت های ثابت)

(درصد)

هدف برنامه اول	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۶۴-۶۷	۱۳۵۹-۶۳	
کشاورزی	۶/۱	۱/۴	۴/۹	
نفت	۹/۵	۸/۶	-۸/۵	
صنعت و معدن	۱۵/۰	۹/۱	۱/۵	۷/۸
آب، برق و گاز	۹/۱	۱۲/۷	۴/۸	۷/۱
ساختمان	۱۴/۵	۵/۳	-۱۷/۵	۳/۳
خدمات	۶/۷	۶/۵	-۱۸/۱	۳/۷
تولید ناخالص داخلی	۸/۱	۷/۳	-۷/۳	۱/۹

از سوی دیگر عملکرد سرمایه گذاری در برنامه نیز موفقیت آمیز بوده است. ارقام موجود نشان می دهد که حجم تشکیل سرمایه در اقتصاد کشور با آزاد سازی های اقتصادی و رفع

بسیاری از موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی و همچنین گسترش وسیع فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بویژه در بخشهای زیربنایی، عملکرد رشدی فراتر از هدف برنامه داشته و روند کاهنده آن به روندی فزاینده تبدیل شده است. بدین ترتیب سهم تشکیل سرمایه در تولید ناخالص داخلی از رقم نسبتاً اندک  $۱۳/۳$  درصد به رقمی معادل  $۲۲$  درصد رسیده است. گرچه این نسبت نیز هنوز در حد مطلوب و قابل قبول نیست ولی سرعت افزایش آن بسیار قابل توجه و امیدوارکننده است. نسبت مطلوب تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی برای کشوری نظیر کشور ما حدود  $۳۰$  درصد است. یک چنین نسبتی در سالهای قبل از انقلاب وجود داشته است.

عملکرد اقلام عمده هزینه ملی طی دوره های پنج ساله  
(متوسط رشد سالانه به قیمت های ثابت)

درصد

هدف برنامه	۷۲-۱۳۴۸	۶۷-۱۳۴۴	۶۰-۱۳۵۸	
هزینه های مصرفی خصوصی	۷/۷	-۵/۴	۵/۰	
هزینه های مصرفی دولتی	۵/۴	-۹/۷	-۳/۶	
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۱۳/۳	-۱۹/۰	۷/۱	
بخش خصوصی	۱۲/۹	-۱۸/۷	۱۰/۶	
بخش دولتی	۱۳/۹	-۱۹/۵	۲/۲	
سایر اقلام	-۲۱/۰	۱/۲	-۱۱/۹	

در سال ۱۳۷۲ ارقام بودجه دولت در اثر یکسان سازی نرخ ارز افزایش فوق العاده

زیادی نشان داد. بطوریکه مجموع رقم ریالی درآمدهای دولت به بیش از ۲ برابر و مجموع هزینه‌های آن به  $1/9$  برابر عملکرد سال ۱۳۷۱ رسید. بدین ترتیب نسبت بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی از  $16/6$  درصد به  $22/2$  درصد افزایش یافت.

در این سال جمعا ۱۴۶۸۳ میلیارد ریال از بخش نفت و ۴۰۶۲ میلیارد ریال از محل مالیاتها وصول شد و با احتساب ۱۵۰۶ میلیارد ریال درآمد از سایر منابع، مجموع درآمدهای دولت به ۲۰۲۵۱ میلیارد ریال رسید.

بررسی ترکیب درآمدهای دولت نشان می‌دهد که با تعمیم نرخ شناور ارز به بخش عمده‌ای از درآمد حاصل از صدور نفت، سهم درآمد نفت در درآمدهای دولت از ۵۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به  $72/5$  درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته و به همین نسبت از سهم درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها کاسته گردیده است.

مقایسه عملکرد مجموع درآمدهای دولت با ارقام مصوب آن حاکی است که طی سال ۱۳۷۲ در مجموع معادل  $13/5$  درصد از درآمدهای مصوب تحقق نیافته است. به همین جهت و به منظور جلوگیری از گسترش فشارهای تورمی، دولت تصمیم گرفت تا هزینه‌های خود را به نحوی تعدیل نماید که هدف تعادل در بودجه به طور کامل تامین گردد. لذا طی سال مورد بحث، عملکرد هزینه‌های دولت به حدود ۸۸ درصد بودجه مصوب تقلیل داده و بدین ترتیب در یافته‌ها و پرداختهای بودجه در طول سال ۱۳۷۲ تقریبا متعادل بود.

هدف رشد نقدینگی در سال ۱۳۷۲ با توجه به ضرورت تامین منابع مالی مورد نیاز بخشها در حدی متناسب با نیازهای فزاینده ناشی از یکسان سازی نرخ ارز و تامین رشد متوازن بخشها در چارچوب سیاستهای کلی اقتصاد معادل ۲۵ درصد تعیین گردید. بعلاوه، براساس

سیاستهای اعتباری در این سال بانکها مکلف گردیدند که تسهیلات خود به بخش غیر دولتی را با ترکیب ۳۶ درصد برای بخش صنعت و معدن، ۳۰ درصد برای بخش مسکن و ساختمان، ۱۹ درصد برای بخش کشاورزی، ۶/۵ درصد برای صادرات و بقیه را برای سایر بخشها اختصاص دهند.

در سال ۱۳۷۲ بانکها کماکان مجاز بودند تا در حد جذب منابع پس از ایفای تعهدات قانونی خود اقدام به اعطای تسهیلات بنمایند. در این سال مانده تسهیلات اعطایی بانکهای تجاری و تخصصی به بخشهای دولتی و غیر دولتی با ۸۳۹۹ میلیارد ریال افزایش به ۳۵۳۹۶ میلیارد ریال بالغ گردید. سهم بخش غیر دولتی از این افزایش بیش از ۸۵ درصد بود. بدین ترتیب در سال ۱۳۷۲ مانده تسهیلات اعطای بانکها به بخش غیر دولتی از رشدی معادل ۳۰/۵ درصد برخوردار گردید. در این سال عملکرد اعتباری بانکها در بخشهای مختلف اقتصادی به میزان زیادی منطبق با برنامه مصوب بود.

در این سال به منظور ادامه حرکت به سمت نرخهای تعادلی سود و با توجه به سیاست دولت مبنی بر شفاف نمودن بودجه و پرداخت مابه التفاوت نرخهای ترجیحی در قالب تبصره های بودجه نرخهای سود ترجیحی در بخشهای صنعت و کشاورزی افزایش یافت و بترتیب در محدوده ۱۸-۱۶ درصد و ۱۶-۱۲ درصد قرار گرفت.

در سال مورد بحث مانده بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی، معادل ۳۲۱۵ میلیارد ریال افزایش یافت. که ۳۰۸۶ میلیارد ریال از آن مربوط به شرکت ها و موسسات دولتی است. از مبلغ اخیر ۱۷۶۰ میلیارد از طریق بانک مرکزی تامین شده است.

بطور کلی گسترش آثار انبساطی در سال ۱۳۷۲ موجب گردید تا نقدینگی با رشدی

معادل ۳۴/۲ درصد (در مقایسه با ۲۵/۳ درصد در سال گذشته) به ۴۸۱۳۵ میلیارد ریال در پایان این سال برسد.

در این سال علی رغم کاهش سهم اسکناس و مسکوک در نقدینگی، سهم پول در نقدینگی از ۴۵/۶ درصد در پایان سال ۱۳۷۱ به ۴۶/۶ درصد در پایان سال ۱۳۷۲ رسید که صرفاً ناشی از رشد سریعتر سپرده های دیداری نسبت به سایر اجزای تشکیل دهنده نقدینگی می باشد.

در سال ۱۳۷۲ شبه پول از رشدی معادل ۳۱/۹ درصد برخوردار گردید. در این دوره از جذابیت سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت در مقابل سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت کاسته شد. بطوریکه در مقابل ۴۷ درصد رشد سپرده های پنج ساله، افزایش سپرده های یکساله به حدود ۱۲ درصد و رشد سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت به ۲۷ درصد رسید. رشد سپرده های دو ساله و سه ساله بترتیب ۲۳ درصد و ۲۲ درصد بود و بر حجم سپرده های قرض الحسنه پس انداز نیز حدود ۱۰ درصد افزوده شد.

بطور کلی مجموع سپرده های بخش غیر دولتی نزد بانکها با رشدی معادل ۲۵/۴ درصد به ۴۱۳۰۳ میلیارد ریال در پایان این سال رسید.

در سال ۱۳۷۲ با توجه به عملکرد بانکها و سودآوری آنها، بر میزان سود قطعی پرداختی به سپرده ها افزوده شد و نرخ سود سپرده های سرمایه گذاری پنج ساله که به عنوان نرخ سود شاخص مورد توجه بازارهای مالی قرار می گیرد، از ۱۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱۶ درصد در این سال افزایش یافت.

بررسی کلی وضعیت سپرده ها و تسهیلات اعطایی در ظرف پنج سال گذشته نشان

می‌دهد که طی این مدت بانکها توانسته‌اند جمعا ۲۹۰۶۱ میلیارد ریال بر حجم سپرده‌های دریافتی از بخش غیر دولتی افزوده و حجم این سپرده‌ها را در پایان سال ۱۳۷۲ به ۴۱۳۰۳ میلیارد ریال برسانند. این رقم معادل  $۳/۴$  برابر رقم ابتدای سال ۱۳۶۸ است. بدین ترتیب با استفاده از منابع جذب شده، جمعا ۲۳۲۹۶ میلیارد ریال بر حجم تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیر دولتی افزوده گردیده و مانده این تسهیلات در پایان سال ۱۳۷۲ به بیش از  $۴/۱$  برابر رقم ابتدای سال ۱۳۶۸ رسیده است. گسترش تسهیلات بخش غیر دولتی، علاوه بر حجم قابل توجه سپرده‌های جذب شده، ناشی از افزایش نسبت تسهیلات به سپرده‌ها نیز بوده است. این نسبت با آزادسازی بانکها و حذف نسبت‌های اعتباری از  $۶۱/۱$  درصد در ابتدای سال ۱۳۶۸ به  $۷۴/۵$  درصد در پایان سال ۱۳۷۲ بالغ گردیده است.

در مجموع طی پنج سال برنامه اول هدف سیاستهای پولی همواره در آن جهت بوده است که ضمن تامین منابع مالی مورد نیاز برای رشد تولید در بخشهای مختلف اقتصادی، افزایش نقدینگی به حداقل ممکن تقلیل داده شود. علیرغم این هدف گذاری، بررسی عملکرد رشد نقدینگی نشان دهنده آن است که این متغیر طی پنج سال گذشته بطور متوسط سالانه  $۲۵/۲$  درصد افزایش یافته است. این رشد با توجه به  $۷/۳$  درصد متوسط رشد اقتصادی در طول این دوره موجب ۱۸ درصد تورم سالانه گردیده که اندکی بالاتر از نرخ تورم پیش بینی شده در برنامه اول است.

در این برنامه در مقابل  $۸/۱$  درصد رشد اقتصادی و  $۱۴/۴$  درصد تورم سالانه فقط  $۸/۲$  درصد رشد نقدینگی پیش بینی شده بود که با توجه به محدودیت‌های بازارهای مالی نیل به آن به سهولت امکان پذیر نبود.

بعلاوه در ارتباط با تفاوت عملکرد رشد نقدینگی با هدف برنامه نکات ذیل نیز قابل ذکر

است :

۱ - محاسبات برنامه اول توسعه کشور بدون در نظر گرفتن اثرات یکسان سازی نرخ‌های ارز بر اقتصاد کشور صورت گرفته است. به این لحاظ، امکان تحقق نرخ‌های رشد پیش‌بینی شده برای نقدینگی در برنامه در شرایط جدید ارزی وجود نداشت.

۲ - افزایش تدریجی نرخ ارز ناشی از معرفی ارز به نرخ‌های رقابتی و شناور و نهایتاً یکسان سازی نرخ‌های ارز موجب شده است که نیازهای اعتباری بخشهای دولتی و غیر دولتی افزایش یابد. عدم تامین حداقل بخشی از این نیازها موجبات رکود شدید واحدهای تولیدی را فراهم می‌آورد.

۳ - بر اساس جدول شماره ۵ برنامه میزان پرداختهای عمومی دولت طی پنج ساله برنامه اول برابر ۲۸۹۶۶ میلیارد ریال برآورد شده بود. لیکن با توجه به ارقام بودجه‌های مصوب، عملکرد پرداختی دولت به ۶۰۲۳۷ میلیارد ریال یعنی به بیش از ۲ برابر افزایش یافت. لذا با توجه به اثرات تعیین‌کننده عملیات مالی دولت بر اقتصاد کشور طبعاً چنین افزایشی در بودجه دولت موجب انبساط شدید اقتصاد گردیده و بدنبال آن تقاضا برای نقدینگی بشدت افزایش می‌یابد. بدیهی است در هدف‌گذاری رشد نقدینگی در برنامه پنج ساله این عامل در نظر گرفته نشده بود.

۴ - بخشی از رشد نقدینگی در سالهای اخیر ناشی از تهیلاتی است که سیستم بانکی از طریق تبصره‌های قوانین بودجه سالهای مختلف مکلف به پرداخت آن شده است. با توجه به تکالیف مورد اشاره، چنانچه قرار بود رشد نقدینگی در حد تعیین شده محدود گردد می‌باید عملاً

تسهيلات بسيار اندكي در اختيار بخش خصوصي قرار مي گرفت كه اين امر در تقابل با برنامه توسعه در جهت گسترش فعاليتهاي بخش خصوصي و خصوصي سازي بود .

در زمينه سايل ارزي ، از ابتدای سال ۱۳۷۲ ، طبق قانون بودجه این سال ، كميته تخصیص ارز و بودجه ارزی از قانون بودجه حذف و نظام تك نرخي ارز به مورد اجرا گذارده شد . همزمان با این اقدام مقرر گردید كه كليه نقل و انتقالات ارزی كه برای ورود کالا و خدمات صورت مي گیرد ، از كانالهای بانكي انجام شود . هدف از این تصمیم ، کاهش فشار تقاضا در بازار آزاد از طريق نظم بخشیدن به شیوه معاملات ارزی بود . اتخاذ این تدابیر به سیاست به اصطلاح " واردات بدون انتقال ارز " پایان بخشید . با اجرای سیاستهای مذکور نظام تك نرخي ارز تقریباً تا مهرماه ۱۳۷۲ با موفقیت اجرا شد و نرخ ارز در دو بازار بانكي و آزاد با تبعیت از روندی با ثبات در فاصله بسیار ناچیزی با يكديگر قرار داشت . لیکن از آن پس بر اثر فشار شدید دستگاههای متقاضی ارز بالاجبار محدودیتهای استفاده از بازار آزاد بصورت واردات بدون انتقال ارز برداشته شد . بدین ترتیب بنگاههای اقتصادی با برخورداری از نقدینگی لازم به بازار آزاد ارز هجوم آوردند تا ارز مورد نیاز خود را خارج از كانالهای بانكي خریداری و خارج نمایند . این عامل همراه با تشدید بحران در بازارهای جهانی نفت و سقوط قیمت آن و همچنین ایجاد فضای نامناسب تبلیغاتی در مورد بدهی های خارجی کشور موجب تغییر در انتظارات جامعه و فشار شدید بر بازارهای ارزی گردید . در نتیجه نرخ ارز در بازار آزاد دچار نوسان شده و با نرخ شناور فاصله گرفت . این روند عملاً مانع از آن شد تا برنامه يكسان سازی نرخ ارز با موفقیت كامل تا پایان سال ادامه یابد .

معهدا باید توجه داشت كه گرچه این روند اختلالتی را در جهت موفقیت كامل برنامه يكسان سازی نرخ ارز ایجاد نمود ولی انتظار می رود كه این تحول بطور بنیادی در اعماق اقتصاد

کشور تاثیر نموده و آثار مثبت خود را در میان مدت ظاهر سازد. این تحول با توجه به حذف پیمان ارزی موجب افزایش درآمد صادر کنندگان و رقابتی تر شدن اقلام صادراتی ایران در بازارهای خارجی شد. همچنین با افزایش نرخ ارز استفاده از تولیدات ساخت داخلی افزایش یافته و به کاهش واردات منجر شد. بدین ترتیب یکی از نتایج مثبت اصلاح نرخ موثر ارز، محدود شدن واردات و کاهش فشار بر موازنه پرداختها بود که در سال ۱۳۷۲ ظاهر گردید. براساس آمارهای موجود، ارزش فوب واردات به  $۱۹/۳$  میلیارد دلار رسید که  $۱۷/۱$  درصد نسبت به سال ۱۳۷۱ کاهش نشان می دهد. این در حالی است که تعرفه های گمرکی در هشت ماه اول سال بر مبنای نرخ اوز پایان سال ۱۳۷۱ محاسبه می گردید، این امر موجب عدم حمایت موثر از تولیدات داخلی و تسهیل کننده واردات در نیمه اول سال گردید.

در سال مورد گزارش با توجه به اقداماتی که طی سالهای اخیر در جهت کاهش محدودیتهای صادراتی و تسهیل در امر صادرات انجام گرفته است، صادرات غیر نفتی کشور به رشد سریع خود ادامه داد و جمعا  $۵/۱$  میلیون تن کالا به ارزش  $۳/۷$  میلیارد دلار به خارج صادر شد. در این سال روند صادرات کالاهای صنعتی همچنان فزاینده بود و ارزش این کالاها با رشدی معادل ۲۳ درصد به  $۱/۲$  میلیارد دلار رسید. گسترش سریع صادرات کالاهای صنعتی از نتایج بارز سیاستهای تعدیل و اصلاحات صنعتی است که انتظار می رود آثار آن در میان مدت به نحو بارزتری نمایان شود. در سال مورد بحث ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی با ۲۶ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۷۱ به بیش از  $۲/۵$  میلیارد دلار بالغ گردید و حدود ۶۷ درصد از کل ارزش صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص داد.

در سال ۱۳۷۲ سطح عمومی قیمت ها همچنان تحت فشار بود. حجم وسیع عملیات

مالی دولت، اصلاح ساختار قیمت‌ها و یکسان سازی نرخ ارز از عمده ترین عوامل فشار بر سطح قیمت‌ها بوده است. با به اجرا گذاشتن برنامه های تعدیل اقتصادی برای سومین سال پیاپی نرخ تورم در حدی بیش از ۲۰ درصد قرار گرفت و افزایش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۷۲ به ۲۲/۹ درصد بالغ گردید.

بررسی ارقام شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نشان می دهد که در میان گروههای اصلی تشکیل دهنده این شاخص، شاخص "خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات" به دلیل اهمیت نسبی آن در شاخص کل، تاثیر قابل ملاحظه ای در شاخص تورم داشته است. بطوریکه در سال ۱۳۷۲ با ۲۳ درصد افزایش دارای اثر مستقیمی معادل ۹/۲ درصد در افزایش شاخص کل بوده است.

بورس اوراق بهادار تهران در سالهای اخیر به عنوان مرکزی برای جذب نقدینگی و هدایت آن بسوی فعالیتهای مولد و جلب مشارکت افراد در سرمایه گذاریهای تولیدی مورد توجه بوده است. در راستای این اهداف در سال ۱۳۷۲، سیاست خصوصی سازی همراه با اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز و کاهش واردات، زمینه افزایش خرید سهام صنایع داخلی را فراهم آورد و موجب شد تا فعالیتهای بورس اوراق بهادار با رونق مواجه گردد.

در این سال، جمعا تعداد ۹۷/۳ میلیون سهم به ارزش ۵۱۵/۷ میلیارد ریال از طریق بورس مورد معامله قرار گرفت که به ترتیب ۹۵/۴ درصد و ۴۶/۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت. از کل معاملات انجام شده تعداد ۶۹/۵ میلیون سهم به ارزش ۳۷۶/۵ میلیارد ریال (۷۳ درصد) مربوط به عرضه سهام از سوی بخش عمومی و تعداد ۲۷/۸ میلیون سهم به ارزش ۱۳۹/۲ میلیارد ریال (۲۷/۰ درصد) مربوط به عرضه سهام از سوی بخش خصوصی بود.

در سال ۱۳۷۲ بانک صنعت و معدن تعداد  $۳۶/۷$  میلیون سهم به ارزش  $۱۹۳/۸$  میلیارد ریال، سازمان صنایع ملی ایران  $۱۷/۶$  میلیون سهم معادل  $۹۱/۳$  میلیارد ریال و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران  $۱۳/۵$  میلیون سهم جمعاً به ارزش  $۸۰/۶$  میلیارد ریال از سهام شرکت‌های تحت پوشش خود را در بورس اوراق بهادار تهران عرضه نمودند. لازم به ذکر است که در این سال جمعاً سهام ۴۹ شرکت تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران به فروش رسیده که سهام ۳۶ واحد آن از طریق بورس معامله شده است. همچنین ۴۴ واحد از شرکت‌های تحت پوشش بانک صنعت و معدن به فروش رسیده که سهام ۲۵ واحد آن از طریق بورس واگذار گردیده است.